

سبک زندگی در مراحل تکاملی پیش‌روی انقلاب اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۰۱

محسن صبوریان^۱

چکیده

سبک زندگی یک جامعه مهم‌ترین ظهور بعد هنجارین و نرم تمدن است. آیت‌الله خامنه‌ای از اوایل دوران زعامت بر وجوه مختلف رفتاری، نمادین و ظهورات فرهنگ از جمله سبک زندگی تأکید داشته‌اند. موضوع این مقاله متمرکز بر سبک زندگی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، بر مبنای سخنرانی‌های و بیانیه‌های موجود از ایشان است. از نظر ایشان، ما در مراحل پنج‌گانه تکاملی، از دو مرحله اول، یعنی پیروزی انقلاب اسلامی و نظام‌سازی اسلامی، عبور کرده‌ایم و در مرحله سوم و دولت اسلامی به سر می‌بریم. پس از آن به مرحله جامعه اسلامی و نهایتاً تمدن اسلامی خواهیم رسید. هدف این مقاله بررسی تحلیلی شاخص‌های سبک زندگی در مراحل پیش‌روی تکاملی انقلاب اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای است. روش ما رویکرد تحلیل اسنادی مبتنی بر داده‌هایی است که به شکلی منقح و نمایه‌شده در پایگاه حفظ آثار آیت‌الله خامنه‌ای موجود است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که در مراحل پیش‌روی تکامل انقلاب، مهم‌ترین شاخص‌های سبک زندگی مرتبط با مسئولان «سلامت اعتقادی و اخلاقی»، «روحیه خدمت به خلق»، «عدالت» و «سلامت اقتصادی» و در ارتباط با مردم عبارت است از «امر به معروف و نهی از منکر»، توجه به مقوله «تعلیم و تربیت» و همچنین «استمرار انقلاب» و ارزش‌های اساسی آن است. شاخص‌های مرحله نهایی انقلاب چیزی جدای از شاخص‌های مرحله چهارم نیست.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، انقلاب اسلامی ایران، مراحل تکاملی انقلاب اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی.

۱. استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران: saboorian@ut.ac.ir

مقدمه و طرح مسئله

انقلاب اسلامی ایران پس از پیروزی در سال ۱۳۵۷، با مسائل متعددی در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی روبه‌رو بوده است. بخشی از این مسائل ناظر به تثبیت و نظام‌سازی و نهادسازی بوده است که بعضاً در حوزه‌های سخت و ساختاری جریان انقلاب اهمیت دارد. اما بخش دیگری از آنها ناظر به ابعاد نرم و هنجاری انقلاب و جریان مداوم آن است. یکی از این موارد مبحث سبک زندگی و اهمیت آن در مراحل آتی جریان زنده انقلاب اسلامی است.

لفظ «سبک زندگی» نخست در سفر سال ۱۳۹۱ آیت‌الله خامنه‌ای به خراسان شمالی مورد استفاده ایشان قرار گرفت. باین‌حال، مصادیق آن ذیل برخی مفاهیم دیگر از حوزه فرهنگی قبلاً استعمال شده بود (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱). مفهوم کلان سبک زندگی از جمله مفاهیمی است که از ابتدا، مورد توجه آیت‌الله خامنه‌ای بوده است. این مفهوم در دهه‌های گذشته در قالب مفاهیمی ذیل موضوع فرهنگ، مصرف فرهنگی، تهاجم فرهنگی، شبیخون فرهنگی و ناتوی فرهنگی مورد اشاره قرار گرفته است. علاوه‌براین، سایر مفاهیمی چون رفتار اجتماعی، فرهنگی زندگی و شیوه و روش زندگی هم پیش از رواج مفهوم سبک زندگی در مجموعه بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، حتی پیش از زعامت ایشان به چشم می‌خورد (پیام به‌مناسبت برگزاری سمینار هفته وحدت حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۰؛ خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۹؛ بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان، ۱۳۷۵؛ بیانات در مراسم هشتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۳۷۶؛ بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان همدان، ۱۳۸۳ و نمونه‌های دیگر).

انقلاب اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای جریانی ایستا و ناظر به گذشته نیست که حادث شده و خاتمه یافته است، بلکه جریانی پویا و زنده است که ادامه دارد. به‌لحاظ مفهومی، در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، جریان انقلاب از تأسیس تا تکمیل، واجد پنج مرحله است که در این مقاله تحت عنوان مراحل تکامل انقلاب اسلامی خوانده شده است. این مراحل عبارت‌اند از ۱. انقلاب اسلامی (پیروزی انقلاب)، ۲. نظام اسلامی (نظام‌سازی)، ۳. دولت اسلامی، ۴. جامعه اسلامی و ۵. تمدن اسلامی. از نظر ایشان، دو مرحله اول سپری شده و اکنون در فرایند تثبیت مرحله سوم به سر می‌بریم. لذا تمرکز ما نیز در این مقاله ناظر به همین سه مرحله پیش‌رو خواهد بود.

هرچند همه این سه مرحله پیش‌روی انقلاب، اهمیت تمدنی و نظام‌سازی دارند، اما بعد فرهنگی و هنجاری این سه مرحله از مراحل قبلی پررنگ‌تر است. از این‌روست که شناسایی مقولات مرتبط به سبک زندگی در این مراحل، به‌عنوان گام اساسی برای جهت‌گیری و جهت‌دهی به برنامه‌ها و سیاست‌های فرهنگ و اجتماعی اهمیت دارد. علاوه بر اهمیت مقوله سبک زندگی در این مراحل، در بیانیه راهبردی گام دوم انقلاب اسلامی، سبک زندگی به‌عنوان آخرین توصیه در میان توصیه‌های هفتگانه به نسل‌های جوان انقلاب مطرح شده و اشاره شده که به دلیل اهمیت این موضوع طرح آن مجالی مستقل می‌طلبد.^۱ با این‌حال، با توجه به سخنان پیشین آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان این مقوله را در مراحل تکاملی پیش‌روی انقلاب بازشناخت. امری که این مقاله متکفل انجام آن است.

هدف و پرسش‌ها

هدف مقاله حاضر یافتن شاخص‌های مرتبط با سبک زندگی در مراحل سوم، چهارم و پنجم تکامل انقلاب اسلامی است. برای رسیدن به این هدف، مقاله تلاش می‌کند به این پرسش‌ها پاسخ دهد:

۱. شاخص‌های مرتبط با سبک زندگی در هیئت حاکمه چیست؟ (مرحله سوم)
۲. شاخص‌های مرتبط با سبک زندگی در جامعه چیست؟ (مرحله چهارم)
۳. شاخص‌های مرتبط با سبک زندگی در تمدن اسلامی چیست؟ (مرحله پنجم)

پیشینه تحقیق

مقاله «چیستی و جایگاه سبک زندگی در فرایند تکاملی انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری» (مشکانی سبزواری و دیگران، ۱۳۹۲) شاید مرتبط‌ترین مطلب به‌لحاظ عنوان به نوشتار حاضر باشد. دستاورد کار نویسندگان این مقاله ارائه مبانی دین‌شناختی و معرفت‌شناختی تولید سبک زندگی اسلامی از دیدگاه رهبر است. منظور از مبانی دین‌شناختی، اعتقاد به اسلام حداکثری در ارائه راهکار برای زندگی است. منظور از معرفت‌شناسی هم در نگاه نویسندگان،

۱. «سخن لازم در این باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وامی‌گذارم» (بیانیه گام دوم، ۹۷/۱۱/۲۲)

پذیرش منبع وحی در کنار منابع متعارف شناخت آدمی است. در خاتمه نیز مقاله بر راهبرد همکاری حوزه و دانشگاه برای تولید الگوی جامع سبک زندگی اسلامی تأکید کرده است. از این خلاصه روشن است که در نهایت نسبت سبک زندگی و مراحل تکاملی انقلاب روشن نشده است، بلکه صرفاً به پیش‌نیازها و مبانی و جایگاه مفهوم سبک زندگی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته شده است.

مقاله دیگر «مؤلفه‌های سبک زندگی دینی از دیدگاه مقام معظم رهبری» (امینی و حلال‌خور، ۱۳۸۴) است که در دو حوزه شاخص‌های نظری و عینی، مؤلفه‌های سبک زندگی را احصاء کرده است. ماحصل کار این مقاله برشمردن پنج مؤلفه‌ی: ۱. اندیشه (ایمان، علم، آگاهی، پرهیز از تقلید)، ۲. خلیات فردی (لباس و پوشش، خوراک، سفر و تفریح)، ۳. خانواده (سبک ازدواج، روابط اجتماعی درون خانوادگی و سبک تولید مثل)، ۴. خلیات اجتماعی (انضباط اجتماعی و قانون‌مداری) و ۵. کسب و کار (وجدان کاری و روحیه کار جمعی) است. مبنای این مقاله سخنرانی در دیدار با جوانان خراسان شمالی است که مقولات و مؤلفه‌ها را بر مبنای سخنان پیشین آیت‌الله خامنه‌ای توضیح داده است.

مطلب دیگری که نگاه آیت‌الله خامنه‌ای به مقوله سبک زندگی پرداخته است، مقاله‌ای است تحت عنوان «روند گفتمان‌سازی سبک زندگی رهبر الهی در جامعه با تأکید بر دیدگاه رهبر معظم انقلاب». منظور از رهبران الهی در مقاله اهل بیت (ع) هستند. علی‌رغم مشابهت عنوان کار و تلاش درخور نویسندگان، نسب مقاله با سبک زندگی روشن نیست، چراکه نویسندگان شاخص‌های سبک زندگی را مشخص نکرده‌اند (صداقت و اصفهانی، ۱۳۹۷).

در مقام جمع‌بندی پیشینه پژوهشی فوق باید گفت هیچ‌یک از مقالات و پژوهش‌های فوق مستقیماً به موضوع پژوهش حاضر، یعنی مراحل تکاملی انقلاب اسلامی پرداخته است. مقاله‌ی سبزواری و همکاران (۱۳۹۲) با اینکه عنوان مرتبیطی دارد، اما در محتوا، چندان نسبتی با مراحل تکاملی انقلاب ندارد و به‌طور کلی، به موضوع سبک زندگی در سخنان آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته است. مشخص نیست موضوع‌بندی و مقوله‌بندی این مقاله با چه روشی انجام شده است و مهم‌ترین اشتراک آن با این پژوهش، اشاره‌ای به ارتباط سبک زندگی و مرحله آخر تکاملی، یعنی تمدن اسلامی است. متأسفانه نویسنده در این بخش هم نویسندگان محتوای سخنرانی بجنورد را

ذیل سبک زندگی در تمدن اسلامی آورده‌اند و تفکیکی میان مراحل تکاملی قائل نشده‌اند. از این نظر به نظر می‌رسد تاکنون هیچ پژوهشی نسبت سبک زندگی با مراحل تکاملی انقلاب را به شکل منفرد نسنجیده است. گذشته از آن در پژوهش‌های پیشین به ملزومات سبک زندگی در گام دوم انقلاب اشاره‌ای نشده است.

چارچوب مفهومی

مفهوم سبک زندگی به واسطهٔ بداهت، کلیت و ویژگی‌های بین‌الذهانی آن در عصر حاضر، گریزان از تعریف است. توجه به مقولهٔ سبک زندگی در علوم اجتماعی تحت‌تأثیر چرخش فرهنگی نیمهٔ دوم قرن بیستم قرار داشت. در این دوره، آنچه بیش از تولید برای جامعه اهمیت می‌یافت، مصرف بود. به همین نسبت، در مقوله‌های مفاهیم اجتماعی نیز تمرکز از اقتصاد به فرهنگ منتقل شد. بدین‌سان، مفهوم سبک زندگی بیش از آنکه با مفهوم سخت و متصلب طبقهٔ مارکسیستی فهم و توضیح داده شود، با مقولهٔ گروه‌های منزلتی و بر قابل توصیف است. بوردیو در اثر دوران‌ساز خود، تمایز، سبک زندگی را با مفهوم عادت‌واره توضیح داده است و به انواع عامی از مصرف و سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی و نمادین اشاره کرده است. از نظر گیدنز نیز سبک زندگی مجموعه‌ای از عملکردهای فردی است که فرد برای هویت‌بخشی به خود انجام می‌دهد (فاضل قانع، ۱۳۹۲: ۱۸-۲۰).

وبر در میان اولین جامعه‌شناسانی بود که به این مفهوم پرداخت. او با تکمیل دیدگاه تک‌بعدی مارکسی، این موضوع را ذیل مفهوم گروه منزلتی وارد حوزهٔ قشربندی اجتماعی کرد. از نظر وبر، سه گونه ساختار قشربندی اجتماعی یافت می‌شود. ۱. طبقه؛ ۲. منزلت و ۳. حزب. هریک از این مفاهیم می‌توانند به دسته‌بندی و گروه‌بندی افراد جامعه کمک کنند.

در مفهوم طبقه، وجه اقتصادی و در مفهوم حزب منافع سیاسی غالب است. با این حال، گروه منزلتی متکی بر حوزهٔ اجتماعی-فرهنگی است. منزلت نوعی برخورداری از احترام اجتماعی است که بر پایهٔ تحصیلات، حیثیت شغلی و به‌ویژه سبک زندگی استوار است (وبر، ۱۹۷۸: ۳۰۵-۳۰۶). اهمیت گروه منزلتی تا جایی است که می‌توانند تعیین‌کنندهٔ موقعیت طبقاتی یک فرد هم باشد (همان: ۹۳۲).

بوردیو با بازتعریف مفهوم عادتواره و میدان، تعلق فرهنگی و اجتماعی افراد به گروه‌بندی‌های اجتماعی را مورد توجه قرار داد. عادتواره گونه‌ای از گرایش‌های بدنی و فرهنگی فردی است که در خلال حیات اجتماعی آموخته، درونی و تکرار می‌شود. عادتواره در واقع مشارکت فرد در ساختن ساختار است. عادتواره گرایشی است که سوژه از ابژه‌های اجتماعی دریافت می‌کند و به شکلی فعالانه آن را نهادینه می‌کند. هرچند در شکل‌گیری عادتواره، فرد، صرفاً پذیرنده نیست، اما میدان‌های مختلفی که عرصهٔ منازعهٔ سرمایه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی و نمادین است در شکل‌دهی به آن مؤثرند (جنکینز، ۱۹۹۲: ۴۸-۵۱). در مدل سبک زندگی بوردیو، که در آن هم از مارکس و هم وبر تأثیر پذیرفته است، نظامی از الگوواره‌ها یا ذائقه‌ها که در قالب عادتواره‌های مشترک خود را نشان می‌دهند، کنش‌ها و کردارهایی را نتیجه می‌دهند که در مجموع یک سبک زندگی را شکل می‌دهند (همان: ۹۱).

سبک زندگی به یک بیان، ملموس‌ترین و انضمامی‌ترین سطحی است که می‌توان از مفهوم فرهنگ در یک جامعه دریافت. به بیان دیگر، فرهنگ از حیث کاربرد و تحقق، در مفهوم سبک زندگی خود را نشان می‌دهد. تلاش‌های زیادی برای ریشه‌یابی و مفهوم‌شناسی آن شده است (مهدوی کنی، ۱۳۸۷). یکی از نویسندگان به‌جای تعریف، چهار ویژگی را برای سبک زندگی بیان کرده که به‌نوعی سطح‌بندی این مفهوم از کلان‌ترین سطح به سطح فردی و خرد است (جنسن، ۲۰۰۷: ۶۵).

۱. سطح جهانی: سبک زندگی، ظهور یک طبقهٔ مصرف‌کننده در سطح جهان است که با عرضهٔ کالا و میزان مصرف تنظیم می‌شود.
۲. ساختاری/ملی: سبک زندگی گونه‌ای ملی‌گرایی است که توسط دولت‌ها کنترل و برنامه‌ریزی می‌شود. به همین دلیل الگوهای سبک زندگی، الگوهایی هستند که یک ملت را از ملت دیگری تمایز می‌بخشند و درعین‌حال افراد یک ملت را به یکدیگر متصل می‌کنند.
۳. موضعی یا خرده‌فرهنگی: سبک زندگی راه و روش اظهار خرده‌فرهنگ‌هاست که توسط خانواده یا طبقهٔ اجتماعی، دوستان و گروه‌های منزلتی و سایر شبکه‌ها و جنبش‌های اجتماعی، کنترل و تنظیم می‌شود.

۴. فردی: در این سطح، سبک زندگی اظهار هویت فردی است که توسط دوستان و رسانه‌های تنظیم می‌شود.

این سطح‌بندی، فهمی از سبک زندگی را مفروض می‌گیرد که معمولاً مورد اجماع محققان است. در این تعریف، مصرف، ذائقه، گرایش‌های فرهنگی فردی و اجتماعی، الگوهای رفتاری و هنجاری، الگوهای مناسک فردی و جمعی، آداب معاشرت و به‌طور کلی، هرگونه ظهور مقوله فرهنگ در کنش‌های فردی و اجتماعی که از جهتی مایه تشابه و از جهت دیگر مایه تمایز می‌شود را دربر می‌گیرد (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۲۱۱-۲۱۴).

در دوگانه فرهنگ و تمدن، سبک زندگی عمدتاً در سوی فرهنگ جای می‌گیرد، هرچند عناصر مادی و تمدنی بر اشکال خاصی از مصرف و زیست فرهنگی تأثیرگذارند. تفکیک میان فرهنگ و تمدن، به‌مثابه وجه نرم ویژگی‌های حیات جدید جمعی انسان و وجه سخت آن، به‌ویژه از قرن هجدهم به بعد و با شکل‌گیری طبقه متوسط شهری در آلمان صورت گرفت. از آن دوره به بعد، دوگانه تمدن و فرهنگ، با طبقه آریستوکرات سنتی و طبقه متوسط جدید پیوند خورد. این دوگانه بعداً شکلی وسیع‌تر در رویکرد آلمانی پیدا کرد، به این معنا که آلمان نماد فرهنگ اصیل اروپایی، درمقابل فرانسه و انگلیسی واجد تمدن فرار گرفت (فرجی، ۱۳۹۵: ۲۸). به‌لحاظ تاریخی، برجسته شدن این دوگانه عمدتاً ریشه در منازعات فرهنگی شمال اروپا، به‌ویژه میان آلمانی‌ها و غیرآلمانی‌ها (انگلیسی‌ها و فرانسویان) داشته است. در تجربه آلمانی، تمدن با عوامل فنی و مکانیک سر و کار دارد و فرهنگ با تعالی و پیشرفت ارگانیک روحی و معنوی (پهلوان، ۱۳۸۸: ۳۶۲).

روش تحقیق

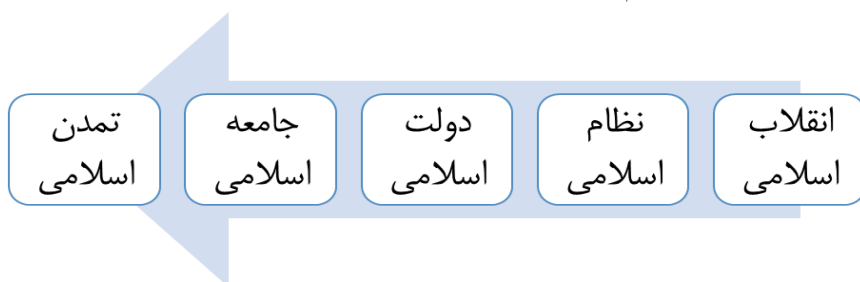
رویکرد کلی روشی ما پژوهش تحلیلی اسنادی است. روش مختار این مقاله چیزی بین روش تحلیل مضمون و تحلیل محتواست. متن همه سخنرانی‌ها و اسنادات از پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار رهبری برداشته شده است.^۱ از آنجایی که قبلاً این پایگاه به شیوه‌ای کمی اقدام به نمایه‌گذاری سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای کرده است، کار شمارش مقولات - که بدو

نزدیک به حوزه تحلیل محتوای کمی است- انجام شده است. با این حال، در این مقاله ما تلاش کردیم تا فراتر از رویکرد شمارشی و کمی، به بررسی تاریخی مقولات در سابقه سخنرانی‌های رهبری بپردازیم. این کار بعضاً با مطالعه سخنرانی‌های مرتبط به لحاظ موضوعی صورت گرفت. در موضوع سبک زندگی و مراحل تکامل انقلاب اسلامی، مشخصاً چند سخنرانی شاخص وجود دارد که تمرکز ما عمدتاً بر آنها است و به مناسبت توضیح مفاهیم مروری تاریخی به سابقه‌ی بیانات ایشان هم داشته‌ایم.

یافته‌های تحقیق

مراحل تکاملی انقلاب اسلامی

پیش از پاسخگویی به سه سؤال تحقیق، مروری روی دو مرحله اول تکاملی انقلاب اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ی خواهیم داشت. الگوی تکاملی انقلاب اسلامی تا سطح تمدن اسلامی، به‌طور دقیق، در اوایل دهه ۸۰ توسط آیت‌الله خامنه‌ای مطرح شد. در این الگوی پنج‌سطحی، مراحل تکامل به سمت جامعه مطلوب به ترتیب شامل انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و نهایتاً تمدن اسلامی می‌شود. از منظر آیت‌الله خامنه‌ای این زنجیره، فرایند تکامل انقلاب اسلامی به شکل زنده و پیوسته است. هر مرحله پیش‌نیاز مرحله بعدی است و با بهره‌گیری از اصطلاحات حکما می‌توان گفت، هر مرحله، ماده صورت مرحله متکامل‌تر و متعالی‌تر را فراهم می‌کند.



نمودار شماره ۱ مراحل تکامل انقلاب اسلامی

مرحله آغازین این زنجیره، پیروزی بر جریان طاغوت طی یک کنش انقلابی بود. به این معنا که نظم سیاسی و اجتماعی پیشین زیر و رو شد. در این مرحله «انقلاب کبیر» ایران در عصر

سلطه ماده‌گرایی بر گرایش‌های معنوی و عقب‌نشینی دین از حیات اجتماعی رقم خورد. علی‌رغم اهمیتی که انقلاب اسلامی برای اندیشه اجتماعی و سیاسی معاصر دارد و موضوع جدال‌های بی‌پایان نظریه‌پردازان این حوزه است، از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، این گام تنها آغازین گام از حلقه تکاملی است که در مقایسه با مراحل بعدی آسان‌ترین گام هم بوده است (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۰).

گام بعدی پس از پیروزی انقلاب، تثبیت ساختار اسلامی برای نظام زیروبر شده پیشین است. مرحله‌ای که طی آن جنبش آرام می‌گیرد و به نهاد بدل می‌شود. در این مرحله، نظام اسلامی شکل می‌گیرد. شکل‌گیری نظام از نظر ایشان، با استقرار نظم سیاسی جدید و به بیانی با شکل‌گیری «هندسه عمومی جامعه» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۰) جدید محقق می‌شود. در این نظم سیاسی جدید، نهادهای جدید قدرت سیاسی شکل می‌گیرند و قانون اساسی مبتنی بر نگاه اسلامی نوشته می‌شود. تصویب و اجرای این قانون اساسی به منزله تحقق نظام اسلامی است (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۹).

– سبک زندگی در مراحل سوم و چهارم انقلاب اسلامی

برای پاسخ به پرسش‌های اول و دوم، یعنی سبک زندگی در هیئت حاکمه و مردم، لازم است تا مروری به نظرگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای درباره‌ی مراحل سوم و چهارم انقلاب اسلامی داشته‌ایم. در طول این مرور شاخص‌های مرتبط با سبک زندگی به شکل تفصیلی مورد بحث قرار گرفته‌اند و نهایتاً در یک جدول خلاصه شده‌اند.

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، از مراحل اول و دوم انقلاب گذر کرده‌ایم و به مرحله سوم رسیده‌ایم (بیانات در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه استان تهران، ۱۳۹۶). مرحله سوم، پس از نظام‌سازی اسلامی، دولت اسلامی است. منظور از دولت اسلامی، فقط هیئت دولت و مجموعه وزیران نیستند. دولت به معنای عام ارکان حاکمیت و هیئت حاکمه، یعنی تمامی مسئولان از بالاترین رده رهبری، تا رده‌های عالی، میانی و بدنه کارشناسان مربوط به سه قوه. از آنجایی که در مرحله قبل، نظام اسلامی شکل گرفته، تأکید در این مرحله بر دولت‌مردان متخلق به اخلاق الهی است. کسانی که وظیفه خود را بشناسند و صادقانه به آن عمل کنند.

برقراری دولت صالح با نیروهای صالح محقق می‌شود. لذا در این مرحله، اصلاح جمع با اصلاح فرد محقق می‌شود، چراکه نظام مستقر، پیشتر ساختار کلان اسلامی را برقرار کرده است. در این گام باید «منش و روش دولتمردان» اسلامی شود (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۹). اکنون باید دولتمردان و مسئولان صالح و مصلح باشند.

این دیدگاه مطابق با مثل یا حدیث مشهور «الناس علی دین ملوکهم» است. ساختن و تربیت انسان طراز انقلاب اسلامی، نیازمند شرایط مناسب اجتماعی است و پیش‌نیاز آن تحقق دو گام پیشین است. دولت اسلامی وظیفه دارد شرایط به زیستن را مطابق الگوهای اسلامی برای شهروندان خود فراهم کند و درعین به رسمیت شناختن کرامت انسان‌ها و برابری میان آنها مطابق قانون اساسی، ابزارهای لازم برای رشد عمومی جامعه را فراهم کند.

آیت‌الله خامنه‌ای این موضوع را با مثالی از دوره سه حاکم اموی یعنی ولید بن عبدالملک، سلیمان بن عبدالملک و عمر بن عبدالعزیز بیان کرده است. به بیان یک مورخ، در دوره ولید، به واسطه علاقه او به ثروت و جواهرات، علاقه و گفتار عمومی مردم هم به اشرافی‌گری تعلق گرفت. در دوره سلیمان، که علاقه به کاخ‌سازی داشت، گفتار عمومی جامعه هم درباره ساختوساز بود. نهایتاً در دوره عمر بن عبدالعزیز، که گرایش به عبادت داشت، جامعه هم گرایش به عبادات پیدا کرده بود (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۴). به همین نسبت جهت‌گیری‌های خرد و کلان ارکان حاکمیت به‌ویژه جهت‌گیری‌هایی که در عمل مشاهده می‌شود، به شکلی ضمنی در طبیعت و روحیات بدنه جامعه نیز اثر خواهد کرد. براین اساس، در دولت اسلامی، اعمال فردی، رفتار با مردم و تعاملات بین‌المللی هم باید مبتنی بر معیارهای اسلامی صورت می‌گیرد (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۴).

«ما باید به معنای واقعی کلمه، در درون این نظام اسلامی، اسلامی شویم. این مشکل‌تر از مراحل قبلی است. ما مسئولان باید خود را بسازیم؛ مرتب با خود کلنچار برویم؛ یکدیگر را به حق وصیت کنیم؛ یکدیگر را ارشاد کنیم؛ مثل آینه‌ای درمقابل یکدیگر، عیوبمان را صادقانه به هم نشان دهیم؛ بنا را بر رفع عیب بگذاریم و خود را روزبه‌روز بهتر کنیم. هرکس هم که جدیداً مسئولیت را برعهده می‌گیرد، با این نیت و با این هدف مسئولیت را قبول کند که می‌خواهد

برای خدمت به مردم، یک انسان صالح شود. آن وقت می‌شود تشکیل دولت اسلامی. قوای مقننه و قضائیه و مجریه و مسئولان گوناگون ما باید بتوانند تا حد قابل قبولی خود را با این قالب‌ها و معیارهای دینی و اخلاقی اسلامی تطبیق دهند.» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۰).

مهم‌ترین ویژگی این مرحله، تثبیت شاخص‌های اعتقادی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است. این شاخص‌ها هم در منابع اسلامی موجود است، هم با نگاه به سیره امام (ره) قابل تشخیص است. اگر این نگاه اعتقادی و ایمان به خدا اصلاح شد، اعتماد به او هم تثبیت می‌شود. تجربه انقلاب اسلامی از منظر ایشان، شکلی عیان از نتیجه اعتماد به خداوند است. ویژگی دوم دولت اسلامی، خدمت به خلق و داشتن روحیه جهادی در این زمینه است. ویژگی سوم، مسئله عدالت است که به مناسبت‌های مختلف از سوی آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان شاخص اساسی دولت اسلامی بیان شده است. سایر شاخص‌ها هم عبارت‌اند از: سلامت اقتصادی و فسادستیزی، قانون‌گرایی، خردگرایی و کارشناسی، نگاه به ظرفیت درون‌زای کشور است (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۲).

به یک معنا همه ویژگی‌های پیشین را می‌توان در کلمه عدالت خلاصه کرد. هنگامی که قوای مختلف نظام، سراسر معتقد به اجرای عدالت اسلامی شوند و هر شخص و نهادی در مراقبت از خود پیشگام باشد، کلمه عدالت به جامعه چشمانده می‌شود و می‌توانیم امیدوار باشیم که به مرحله بعد گذر کنیم. با این حال، هنوز در مرحله سوم به سر می‌بریم در زمینه تحقق دولت اسلامی موفق نبوده‌ایم (بیانات در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه استان تهران، ۱۳۹۶).

«ما الان در این مرحله قرار گرفته‌ایم و باید دائم تلاش ما این باشد. اگر نماینده مجلسیم، اگر عضو دولتیم، اگر از مسئولان قضایی هستیم، اگر روحانی هستیم، هرکجا قرار داریم، اولین و مهم‌ترین وظیفه را اصلاح کار خود بدانیم؛ چون اصلاح شخص ما، صرفاً اصلاح شخص نیست؛ ما منشأ اثریم و یک کلمه حرف و یک امضاء و یک تصمیم‌گیری من و شما در جامعه تأثیر می‌گذارد. ما اگر خود را اصلاح کردیم، جامعه را اصلاح کرده‌ایم. دوره پیش از انقلاب گذشت که بعضی کسان فقط به خود می‌پرداختند.» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۰)

پس از گذر از مرحله دولت اسلامی، در مرحله چهارم به کشور یا جامعه اسلامی می‌رسیم. اگر هدف مرحله پیشین، متصدیان نظام است، هدف این مرحله کلیت دولت ملت ایران و

جامعه ایرانی است. نتیجه استقرار دولت اسلامی، اقامه عدالت در جامعه و ریشه‌کنی ظلم و تبعیض است. این خود پایه‌ی شکل‌گیری کشور اسلامی است. (بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹).

«بعد از این مرحله، مرحله تالو و تشعشع نظام اسلامی است؛ یعنی مرحله ایجاد کشور اسلامی. اگر این مرحله به‌وجود آمد، آن وقت برای مسلمان‌های عالم، الگو و اسوه می‌شویم: «لتكونوا شهداء على الناس» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۰).

استقرار دولت اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، به تحقق جامعه اسلامی منجر می‌شود. یعنی استقرار دولت اسلامی شرط لازم و کافی برای تحقق جامعه اسلامی است. پس اگر مرحله چهارم هنوز محقق نشده است، علت، عدم استقرار مرحله سوم یعنی دولت اسلامی است. البته همچنان که خواهیم گفت، این به‌معنای آن نیست که دو مرحله سوم و چهارم یک چیز باشند، بلکه نتیجه حاکم شدن دولت اسلامی، رفع تبعیض و فساد و برپایی جامعه اسلامی است (بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹).

«عدالت و صلاح مسئولان همیشه لازم است. [...] اگر به توفیق الهی بتوانیم در این جهت خود را کامل کنیم و قدم‌هایی را که تا امروز بحمدالله برداشته شده، کامل کنیم، آن وقت کشور اسلامی به همان شکلی که گفتم، به‌وجود خواهد آمد؛ یعنی دولت اسلامی می‌تواند کشور اسلامی به‌وجود بیاورد.» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۴).

در بیانیه گام دوم، ایشان مرحله دوم انقلاب را ملازم به دومین مرحله «خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» عنوان کردند. در مقایسه این مفاهیم با سه مرحله جاری و پیش‌روی باقیمانده از مراحل تکاملی، خودسازی را می‌توان با مرحله دولت اسلامی مقایسه کرد، که البته محدود به آن نیست و جامعه را نیز دربرمی‌گیرد. جامعه‌پردازی فرارفتن از مرحله فردی اصلاح به مرحله جمعی آن است. نهایتاً تمدن‌سازی متناظر با آخرین مرحله تکاملی انقلاب اسلامی است که امید می‌رود متصل به حکومت عبد صالح خداوند روی زمین شود.

ویژگی‌های اصلی تحقق دولت اسلامی معطوف به کنش مسئولان و ارکان حاکمیت است، نه بدنه مردم. هرچند دولت برخاسته از مردم است، اما همچنان که اشاره شد، صلاح حاکمان با صلاح جامعه منجر خواهد شد. اگر موضوع مرحله سوم به‌طورکلی، دولت و دولت‌مردان و

ارکان حاکمیت هستند، پس اصلاح سبک زندگی و توجه به این مقوله هم ناظر به همان افراد است، یعنی اصلاح سبک زندگی حاکمیت مبتنی بر آموزه‌های اسلامی. اما توجه به سبک زندگی مسئولان یک مقوله است و اصلاح سبک زندگی جامعه مقوله دیگری است. چطور می‌توان میان مسئله سبک زندگی، که موضوع اصلی آن بدنه جامعه است و در تفکیک میان بعد نرم و سخت تمدن به آن اشاره شد، از یک سو و مرحله سوم از مراحل تکاملی انقلاب اسلامی، که موضوع آن نه مردم که مسئولان هستند، جمع کرد؟

پاسخی که با تحلیل نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان به این پرسش داد، توجه به همگونی، ارتباط وثیق و ارگانیک میان مراحل سوم و چهارم است. لذا این دو مرحله را باید با یکدیگر تحلیل کرد. عملکرد مثبت دولت و حاکمیت و حکمرانی مطابق با اصول اسلامی و عقلایی، به اصلاح جامعه منجر خواهد شد. باین حال، این به معنای این نیست که سبک زندگی به شکلی جبری در جامعه نیز اصلاح خواهد شد، بلکه مهم‌ترین مانع اصلاح جامعه را برخواهد داشت. دولت اسلامی با رعایت سبک زندگی اسلامی در میان کارگزاران، اولاً به شکلی عملی، و نه صرفاً زبانی، به جامعه الگویی مناسب سبک زندگی را منتقل می‌کند. ثانیاً در سیاستگذاری‌های فرهنگی خود، به دلیل یکدلی بیان و کنش، موفق‌تر عمل خواهد کرد.

در پاسخ به پرسش اول، یعنی شاخص‌های سبک زندگی در بدنه حاکمه چهار ویژگی، که در ادامه آمده است، مطرح است. مهم‌ترین ویژگی‌های دولت اسلامی در دیدار آیت‌الله خامنه‌ای با اعضای دولت یازدهم ایراد شده است. در آنجا ۷ ویژگی برای دولت اسلامی برشمرده شده که مهم‌ترین آنها، که ناظر به سبک زندگی اسلامی بوده است. ویژگی اول یعنی «سلامت اعتقادی، اخلاقی و عملکردی مسئولان» بود. منشأ این ویژگی، سلامت نفس مسئولان است. هدایت‌گر و زمینه‌ساز آن، منابع اسلامی و مانیفست آن نیز مجموعه محکومات در اندیشه امام (ره) است. از الزامات این مقوله اعتماد و توکل بر خدا و تسهیل‌گر و راهبر آن ارتباط با قرآن، دعا و توسل است. در کنار این ویژگی ۶ ویژگی دیگر هم مطرح شده است، که برخی بیشتر و برخی کمتر ناظر به مؤلفه‌های سبک زندگی دولت اسلامی است (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۲).

ویژگی دوم، روحیه خدمت به خلق است. این توصیه که مطابق با دیدگاه امیرالمؤمنین در فرمان به مالک اشتر است، فرهنگی تعاون و نوع‌دوستی را به شکلی عملی ترویج می‌کند و گذر از مرحله سوم به چهارم را تسهیل می‌کند. اگر «خدمت» فلسفه وجودی دولت اسلامی شود، فاصله و جدایی میان دولت و ملت به حداقل می‌رسد. با توجه به دوره چهارساله هر دولت، این کار باید به شکل جهادی و درعین‌حال، در چارچوب قانون صورت گیرد (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۲).

ویژگی سوم عدالت قضایی و اجتماعی است. اگر عدالت را به معنای ملکه نفسانی آن در نظر بگیریم، آن‌طور که فی‌المثل افلاطون (جمهوری، ۳۶۸-۳۶۹) در نظر گرفته است، عدالت بخشی از سبک زندگی اسلامی خواهد بود، اما این معنا با حصول همان ویژگی اول، یعنی سلامت اعتقادی و عملی دولتمردان محقق می‌شود (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۲).

ویژگی چهارم، سلامت اقتصادی دولتمردان است. عناصر فاسد مانند موریانه به جان حاکمیت می‌افتند و زحمات سایر دولتمردان را خنثی می‌کنند. این ویژگی دلالت روشنی در سبک زندگی دارد. سبک مصرف فرهنگی و اقتصادی خانواده، نسبت وثیقی با میل به دنیا و مظاهر آن دارد و مصادیق آن سبک پوشش، نوع مسکن، الگوی مصرف، شکل تفریحات و نظائر آن است (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱) سه ویژگی دیگر عبارت‌اند از قانون‌گرایی، حکمت و خردگرایی در کارها و تکیه به ظرفیت درون‌زای کشور است که نسبت روشنی با سبک زندگی ندارند (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۲).

هرچند ممکن است از برخی سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای برداشت شود که تحقق مرحله سوم لاجرم مرحله چهارم به دنبال خواهد داشت، اما تدقیق در سایر مواضع ایشان و تحلیل عقلانی مرحله‌ای دانستن این روند، روشن می‌کند که این دو مرحله جدای از یکدیگرند و باید در دو سطح محقق شوند. مرحله‌ای کردن آنها به لحاظ رتبی است، به این معنا که امکان تحقق مرحله چهارم، تا پیش از مرحله سوم در وجود ندارد. در مفردات بیانات ایشان، می‌توان برخی ویژگی‌هایی که تسهیل‌گر تحقق جامعه اسلامی را برشمرد. مهم‌ترین این موارد همان تحقق دولت اسلامی است که به آن اشاره شد.

پرسش دوم تحقیق ناظر به شاخص‌های سبک زندگی در جامعه اسلامی است. در تحلیل این مورد، سه شاخص در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای قابل شناسایی است. امر به معروف و نهی از منکر یکی از مؤلفه‌های مهم امکان تحقق جامعه‌ی اسلامی است. در رأس معروف‌ها هم حفظ عزت و آبروی ملت ایران است. مهم‌ترین معروف‌هایی که منجر به معروف پیش‌گفته می‌شوند عبارت‌اند از:

«اعتلای فرهنگ، سلامت محیط اخلاقی، سلامت محیط خانوادگی، تکثیر نسل و تربیت نسل جوان آماده‌ی برای اعتلای کشور، رونق دادن به اقتصاد و تولید، همگانی کردن اخلاق اسلامی، گسترش علم و فناوری، استقرار عدالت قضائی و عدالت اقتصادی، مجاهدت برای اقتدار ملت ایران و ورای آن و فراتر از آن، اقتدار امت اسلامی و تلاش و مجاهدت برای وحدت اسلامی» (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۴).

مؤلفه مهم دوم، توجه به تعلیم و تربیت عمومی جامعه است. نهاد تعلیم و تربیت عمومی باید متوجه اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی باشد و انسان طراز انقلاب تربیت کند (۹۷/۲/۱۹). تربیت نوجوانان و جوانان باید ناظر به اخلاق دینی و اخلاق متکی بر تقوا باشد. اخلاقی که خروجی آن جهاد در راه خدا و روحیه انقلابی است (۹۶/۵/۳۰).

مؤلفه سوم، توجه به استمرار انقلاب و ارزش‌های اساسی و بنیادین انقلاب است (بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۶) در صورتی‌که این ارزش‌ها در مرکز توجه قرار گیرند و در آنها مداومت به خرج داده شود، انقلاب در مراحل خود استمرار می‌یابد. در یکی از بیانات، ایشان ۸ موضع را برای استمرار انقلاب و ارزش‌های آن برشمردند. هرچند مخاطب این شاخص‌ها آحاد جامعه و از جمله بدنه حاکمیت است. ۱. عزت و افتخار ملی. ۲. اعتماد به نفس ملی. ۳. استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی. ۴. آزادی بیان، اندیشه و عمل. ۵. نفی تبعیض و استقرار عدالت. ۶. پیشرفت مادی و تمدنی. ۷. رشد اخلاق اجتماعی (رحم، انفاق، ایثار و تعاون). ۸. آماده‌سازی فضا برای رشد معنویت و رهایی از بردگی شهوت و غضب (۹۷/۳/۷).

جدول شماره ۱ شاخص‌های مرتبط با سبک زندگی در دولت اسلامی و جامعه اسلامی

<p>۱. سلامت اعتقاتی و اخلاقی مسئولان.</p> <p>۲. روحیه خدمت به خلق.</p> <p>۳. عدالت گستری.</p> <p>۴. سلامت اقتصادی دولتمردان.</p>	<p>شاخص‌های سبک زندگی در دولت اسلامی</p>
<p>۱. امر به معروف و نهی از منکر: در رأس همه‌ی معروف‌ها اعتلای ایران.</p> <p>۲. تعلیم و تربیت عمومی جامعه.</p> <p>۳. توجه به استمرار انقلاب و ارزش‌های آن. (عزت و افتخار ملی، اعتماد به نفس ملی، استقلال، آزادی بیان و اندیشه و عمل، استقرار عدالت، پیشرفت مادی و تمدنی، رشد اخلاقی، رشد معنوی)</p>	<p>شاخص‌های سبک زندگی در جامعه اسلامی</p>

به نظر می‌رسد مهم‌ترین وجه تمایز سبک زندگی در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای در حوزه دولت‌سازی اسلامی، آموزه عدالت در کلی‌ترین شکل آن است. عدالت در نفس و حوزه فردی، عدالت در حوزه قضایی و عدالت در حوزه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و آموزشی. عدالت به معنای فردی و اجتماعی آن در هر چهار شاخص مورد اشاره در جدول شاخص‌های دولت اسلامی قابل شناسایی است. همچنین وجه تمایز و ویژگی کانونی سبک زندگی در مرحله جامعه و کشور اسلامی، توجه به آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی و استمرار آن است. با گذر از مراحل سوم و چهارم به مرحله پنجم، یعنی تمدن‌سازی اسلامی می‌رسیم. از آنجایی که این مراحل روی هم سوارند، تحقق مرحله سوم و چهارم هر یک به معنای تحقق بخشی از مرحله پنجم است.

سبک زندگی در مرحله نهایی انقلاب اسلامی

اکنون سؤال سوم این پژوهش قابل طرح و پاسخگویی است. شاخص‌های سبک زندگی در آخرین مرحله انقلاب اسلامی چیست؟ مرحله نهایی انقلاب اسلامی، یعنی شکل‌گیری تمدن اسلامی، در حال حاضر همچون یک آرمان و چشم‌انداز مطرح است (بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی، ۱۳۹۹). هر چند مفردات شاخص‌های سبک زندگی این مرحله

به شکلی مستقل از جانب آیت‌الله خامنه‌ای مطرح نشده است، با این حال می‌توان با تحلیل سخنرانی سال ۱۳۹۱ ایشان که در آن رویکرد ایشان به تمدن اسلامی مطرح شده است به دست آورد. به علاوه، همانطور که میان مراحل سوم و چهارم تلازم منطقی وجود دارد و اصلاح بدنه حاکمه به اصلاح جامعه کمک می‌کند، اسلامی شدن جامعه و به بیانی «جامعه‌پردازی» اسلامی هم برای تمدن‌سازی مسیر را هموار خواهد کرد. بدین‌سان، تمامی شاخص‌هایی که در مورد مرحله‌ی چهارم برای مردم ذکر کردیم، در مرحله‌ی نهایی هم قابل شناسایی است (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۸).

آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۹۱ در بجنورد، سبک زندگی را به‌مثابه بخش اصلی و نرم تمدن مطرح کردند. از نظر ایشان، سبک زندگی یکی از پایه‌های شکل‌گیری تمدن اسلامی و پایه فرهنگ، نرم و زنده آن است.

«یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه زیستن. [...] ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم _ که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است _ باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. بنابراین مسئله، مسئله اساسی و مهمی است.» (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱).

درواقع، از نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای بخش ابزاری تمدن نوین اسلامی، ارزش‌های اساسی ناظر به پیشرفت کشور در حوزه‌های علم، فناوری، رفاه و صنایع دفاعی و نظایر آن است. بخش ابزاری به‌مثابه وسیله‌ای برای رسیدن به هدف اساسی پیشرفت، یعنی تعالی مادی و معنوی است. اما بعد هنجارین، نرم و اصلی تمدن، که به بیانی مرتبط با عقل معاش به‌معنای عام است، همان بعد مرتبط با سبک زندگی است:

«بخش ابزاری عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز به‌عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ اینها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است. [...] اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است که عرض

کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، مسئله زبان، مسئله کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ اینها آن بخش‌های اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است.» (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱).

هرچند انقلاب اسلامی در زمینه ابزاری پیشرفت‌هایی را کسب کرده است، اما در حوزه سبک زندگی و شیوه زیستن با همه مصادیق فراوانی که در این سخنرانی بیان شده است و عمدتاً ناظر به آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی هستند، هنوز در آغاز راه است. تفکیکی که آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه میان مواد سخت و نرم تمدن قائل شده است، تاحدی مشابه همان تفکیکی است که قائلان به دوگانه تمدن و فرهنگ قائل می‌شدند و در بخش نظری این مقاله به آن پرداختیم. با این تفاوت که در بیان ایشان هر دو بعد ابعادی از تمدن هستند، اما در ادبیات قائلان به این دوگانه، بعد سخت نام تمدن می‌گیرد و بعد نرم، نام فرهنگ.

بدین‌سان، دستیابی به پیشرفت‌های سخت و مکانیکی تمدن جدید اسلامی، کارویژه اساسی نظام و دولت اسلامی است که در مراحل دوم و سوم تکاملی انقلاب اسلامی محقق می‌شوند. اما دستیابی به بعد نرم و هنجارین تمدن، یعنی سبک زندگی اسلامی، به‌طور عمده، با مراحل چهارم و پنجم پیوند خورده است. در این معنا، هرچند شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، نیازمند دیدگاه راهبردی در تمامی حوزه‌های اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک است، اما این‌ها صرفاً جنبه‌ی طریقت و ابزاری برای جانداختن سبک زندگی اسلامی در تمدن اسلامی دارند.

درنهایت، با تحلیل بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به نظر می‌رسد تفکیکی میان شاخص‌های سبک زندگی میان مرحله چهارم و پنجم انقلاب اسلامی صورت نگرفته است. بااین‌حال در چند موضع، مراحل چهارم و پنجم ملازم دانسته شده است. از اینجا روشن می‌شود که همان شاخص‌های مرحله چهارم را می‌توان به مرحله پنجم نیز تعمیم داد. پس در پاسخ به آخرین

پرسش، می‌توان از سه شاخص «امر به معروف و نهی از منکر»، «تعلیم و تربیت عمومی جامعه» و «توجه به استمرار انقلاب اسلامی» نام برد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، در روند تکامل و تعالی حرکت انقلاب اسلامی پنج مرحله قابل شناسایی است: ۱. انقلاب اسلامی و کنار زدن نظم پیشین، ۲. نظام اسلامی و استقرار نظم، ۳. دولت اسلامی و تخلق به اخلاق الهی در بدنه حاکمیت، ۴. جامعه اسلامی و ۵. تمدن اسلامی. در حال حاضر، در مرحله سوم به سر می‌بریم و همچنان در زمینه تحقق دولت اسلامی توفیق کاملی نیافته‌ایم. مع الوصف پیش‌نیاز رسیدن به مرحله چهارم و پنجم، تحقق دولت اسلامی است. مفهوم سبک زندگی، که بدواً به معنای خاص و اصطلاحی آن در اوایل دهه ۹۰ توسط آیت‌الله خامنه‌ای مطرح شد، اقتضائاتی در هریک از سه مرحله پیش‌روی تکامل انقلاب اسلام دارد و مقاله حاضر متکفل تحلیل و بیان آن بود. در مرحله تحقق دولت اسلامی چهار ویژگی «سلامت اعتقادی و اخلاقی»، «روحیه خدمت به خلق»، «عدالت» و «سلامت اقتصادی» مهم‌ترین ویژگی‌های احراز سبک زندگی اسلامی در میان دولتمردان است. در مرحله چهارم هم توجه به «امر به معروف و نهی از منکر»، توجه به «مقوله تعلیم و تربیت» و همچنین استمرار «انقلاب و ارزش‌های اساسی آن» (عزت و افتخار ملی، اعتماد به نفس ملی، استقلال، آزادی بیان و اندیشه و عمل، استقرار عدالت، پیشرفت مادی و تمدنی، رشد اخلاقی، رشد معنوی) از مهم‌ترین مواردی است که به پیاده شدن سبک زندگی اسلامی کمک می‌کند. نهایتاً در مرحله پنجم، یعنی تحقق تمدن نوین اسلامی، اصل نرم، هنجاری و پویای حیات تمدنی، همان سبک زندگی است که مرحله چهارم، یعنی جامعه اسلامی، آن را برای مرحله بعدی به ارمغان می‌آورد. در بیانیه گام دوم، توصیه هفتم آن درخصوص سبک زندگی به اجمال آورده شده بود. مع الوصف با توجه به تأکید آیت‌الله خامنه‌ای بر رئوس ویژگی‌های سبک زندگی اسلامی در سخنرانی ۱۳۹۱ برای جوانان خراسان شمالی و همچنین تأکیدات متأخر ایشان بر انقلابی بودن، استمرار و تداوم انقلاب و حقیقت زنده انقلاب، اهمیت سبک زندگی به‌عنوان عنصر نرم و راهبردی تحقق و ادامه‌ی حیات انقلاب اسلامی روشن می‌شود.

منابع

- امینی، نوروز و حلال خور، کوثر (۱۳۹۴)، «مؤلفه‌های سبک زندگی دینی از دیدگاه مقام معظم رهبری»، مهندسی فرهنگی، سال نهم، شماره ۸۴: ۱۰-۲۹.
- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران (۱۳۶۹)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۰ فروردین.
- بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان (۱۳۷۵)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۶ اردیبهشت.
- بیانات در مراسم هشتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) (۱۳۷۶)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴ خرداد.
- بیانات در دیدار کارگزاران نظام (۱۳۷۹)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۲ آذر.
- بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر (۱۳۷۹)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۹ اسفند.
- بیانات در دیدار کارگزاران نظام (۱۳۸۰)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۱ آذر.
- بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان همدان (۱۳۸۳)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۷ تیر.
- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه (۱۳۸۴)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۸ مرداد.
- بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت (۱۳۸۴)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۸ شهریور.
- بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی (۱۳۹۱)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۳ مهر.
- بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت (۱۳۹۲)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۶ مهر.
- بیانات در حرم مطهر رضوی (۱۳۹۴)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱ فروردین.

- بیانات در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه استان تهران (۱۳۹۶)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۶ مهر.
- بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی (۱۳۹۶)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۹ بهمن.
- بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان (۱۳۹۸)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱ خرداد.
- بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی (۱۳۹۹)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۸ اردیبهشت.
- بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (۱۳۹۷)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۲ بهمن.
- پیام به‌مناسبت برگزاری سمینار هفته وحدت حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۰، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۷ آذر.
- پهلوان، چنگیز (۱۳۸۸)، فرهنگ و تمدن، تهران: نی.
- صداقت، علیرضا و رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۹۷)، «روند گفتمان‌سازی سبک زندگی رهبر الهی در جامعه (با تأکید بر دیدگاه رهبر معظم انقلاب)»، پژوهشنامه سبک زندگی، سال چهارم، شماره ۷: ۶۵-۸۲.
- فاضل قانع، حمید (۱۳۹۲)، سبک زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی (با رویکرد رسانه‌ای)، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- فرجی، مهدی (۱۳۹۵)، نوربرت الیاس و تحلیل تمدنی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- مهدوی کنی، سعید (۱۳۸۷)، «مفهوم سبک زندگی و گستره‌ی آن در علوم اجتماعی»، تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۱: ۱۹۹-۲۳۰.
- مشکانی سبزواری، عباسعلی و دیگران (۱۳۹۲)، «چیستی و جایگاه سبک زندگی در فرایند تکامل انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری»، معرفت، سال ۲۲، شماره ۱۸۵: ۶۵-۸۳.
- Plato (1997), *Plato's Complete Works*, D. S. Hutchinson (editor), Indianapolis: Hackett Publishing Company.
- Jensen, Mikael (200&), "Defining Lifestyle", *Environmental Sciences*, 4:2: 63-73.
- Jenkins, Richard (1992), *Pierre Bourdieu (Key Sociologist)*, Routledge.
- Weber, Max (1978), *Economy and Society: An Outline of Interpretive Sociology*, Ed. By: Guenther Roth and Claus Wittich, California: University of California Press.